

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

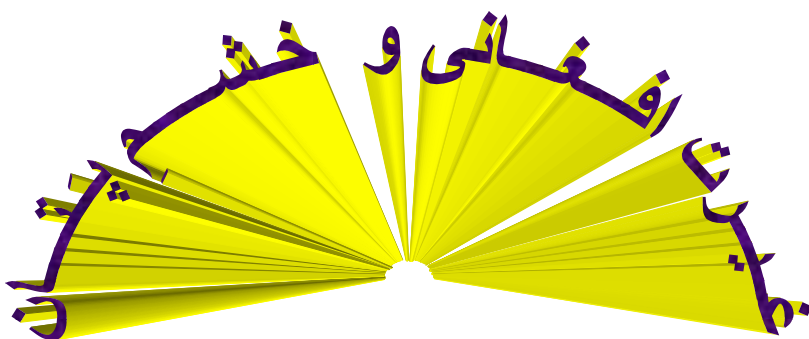
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

ط ن ن

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان



غیرت افغانی و خشم پتان

راه ما از راه گلبدین جداست
زانکه هفت پشت وی از مادر خطاست
نطفه انگلیس، در بطن عرب
می نداند، از زمین، یا از هواست
از (خلیلی) و (محقق)، (دوستم)
بر علاوه از پدر چون اژدهاست
ایک از (سیاف) و از (ملا عمر)
هم حرام و، هم کنیف، و نارواست
(خوجئین) و (صبغت الله) و (فهیم)
نطفه (شداد) و از (شمر) جفاست

(وردک) (نامردک) پندیده تن
فیل چوبی ، چون خمیر نارساست
از در و دیوار بارد چون ملخ
طالب و چلی ، که دشمن با خداست
همچو بدماشان فلمی ، در ستیز
با همه پیغمبران کبریاست
رول خود را ، خوب بازی میکنند
ریش ایشان ، اخته در دیگ حناست
طالبه فرمانبر القاعده
در حجاب مذهبی ، شیشک نماست
طالبه اندر لباس جالبه
در کفن پیچیده باریب و ریاست
در وصیت نامه ، (سیمین) زد رقم
مرده شوئی ، بر (ملازاده) رواست
گربه هفت جان به کس جان کی دهد
گرچه عزرائیل ، او را در قفاست
کنده قبرش را (خراسانی) به نقد
با سخن ، با حرف و با گپ ، با صداست
ای خراسانی ! تو تنها نیستی
حرف حق را ، دایماً همراه ، خداست
با شجاعت ، با مهارت ، با هنر
همتت را ، صد هزاران احساناست
بس زدی با گرز گپ ، بر فرق شان
تیغ گفتارت ، ز الماس و طلاست
جراتت نازم که با مُشت سخن
ضربه بر دندان این اهل شقاوت
گرچه تنهائی ، به میدان نبرد
سنگر جرباء ، به ظاهر همناست
لیک در باطن ، مواظب باش باش

روز بد را ، نه رفیق و آشناست
یادی کردی ، زین حقیرِ کمترین
خدمتت ، صد احترام و مرحباست
انتظارِ سنگرِ مردانه ام
زانکه راهِ ما ، ز نامردان سواست
حال باید مطلبِ اصلی بیان
تا که فرق دال ، با دله چی هاست
آتشِ تبعیض ، میسوزد جهان
اختیارش بسته در ریشِ ملاست
ای همه بم های کُوکِ اجنبی
بر شما قهرِ خداوندی سزااست
پُر یتیم و بیوه و ، معیوبِ جنگ
میهن از بیدادِ تان ، ای مافیاست
ای شما باند ترورِ مذهبی
دین و مذهب ، زین سیاستها جداست
ای شما اولاده شیطان پرست
تا به کی میراثِ آبا رهنماست
سبزه را سوزیده مرمی ، کاشتید
پارو و آتش ، ز جسم و خونِ ماست
کوه و صحرا و بیابانِ وطن
غرق در خون همچو دشتِ کربلاست
باغ و بستان و گلستان و چمن
پر ز باروت و ز دودِ غصه هاست
کوچه و پسکوچه ها و جاده ها
زیرِ خاکستر فتاده در عزاست
خانه ها و قریه ها و شهرها
هم شده ویرانه هم ، ماتمسراست
غیرت افغانی و ، خشم پتان
نم کشیده ، گم شده ، یا در کجاست

غیرت افغانی و ، خشم پتان

مردہ شاید ، یا کہ بر بادِ فناست

غیرت افغانی و ، خشم پتان

یا اسیرِ اجنبی ، یا زیرِ پاست

قہر کردہ ، یا کہ رفتہ خوابِ ناز

یا مریضِ رفتہ کوما ، بی شفاست

غیرت افغان و ای خشم پتان !

ہمتی ، مادروطن ، قعرِ بلاست

غیرت افغان و ای خشم پتان !

انقلابت ، دردِ میهن را شفاست

غیرت افغان و ای خشم پتان !

وقتِ جانبازیِ بی چون و چراست

گوشمالی ها ، بہ پاکستان و ہم

کشورِ آخوندیِ ایرانِ رواست

چونکہ بر (زنگاری) و بر (احمقی)

(کور و کرزی) تنگ و چاکر نماست

ای تو (مرداری) (زرداری) بنام

دشمنی از بہرِ چہ ، با ما ، تراست

گاہ (عوعو) ، گاہی (عرعر) میکنی

(نطفہ خنزیر) ، در بطنِ **سگاست**

ای وطنداران ! بہ پا خیزید ، چون

حق (کرزی) ، حلقہ دارِ شماست

(کرزی) و (جمبوری) و (میمون) او

در مداری بازی ہریک ، اوستاست

ای وطنداران ، طریقِ تازہ ای

کہنہ و فرسودہ ، ختم و انتہاست

جز تحرّی حقیقت ، ہموطن !

زخمِ ناسورِ جہان را کی دواست

دور از ہرگونہ بَغض و دشمنی

دوستی با اهل عالم مدعاست
در نهایت روح و ریحان زیستن
با تمام باور و ، اندیشه هاست
جست و جو بنمودن و راه یافتن
چاره و درمان و دارو و شفاست
خدمت هممنوع ، اصل و فرع دین
وحدت عالم اساس دین ماست
جنگ و دعوا نیست کار و بار ما
آرزوی ما ، فقط صلح و صفاست
« نعمتا » تندی لحن خامه ات
مرهم زخم دل هر بینواست

